

أنا هيتا

|                                                                      |                                                                                                     |
|----------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------|
| Saadi-nejad, Manya                                                   | سرشناسه: سعدی نژاد، مانیا                                                                           |
|                                                                      | عنوان و نام پدیدآور: آناهیتا: روایت پیدایش و پذیرش ایزدبانوی آب/مانیا سعدی نژاد؛ ترجمه فاطمه شاداب. |
|                                                                      | مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۴۰۳.                                                                     |
|                                                                      | مشخصات ظاهری: ۲۶۳ ص.                                                                                |
|                                                                      | شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۵۳۳-۷                                                                             |
|                                                                      | وضعیت فهرست نویسی: فیبا                                                                             |
| Anahita: a history and reception of the Iranian water goddess, 2021. | یادداشت: عنوان اصلی: .                                                                              |
|                                                                      | یادداشت: کتابنامه.                                                                                  |
|                                                                      | یادداشت: نمایه.                                                                                     |
|                                                                      | موضوع: آناهیتا(الهه ایرانی)                                                                         |
|                                                                      | موضوع: (Anahita (Iranian diety                                                                      |
|                                                                      | موضوع: اساطیر ایرانی                                                                                |
|                                                                      | موضوع: Mythology, Iranian                                                                           |
|                                                                      | شناسه افزوده: شاداب، فاطمه، ۱۳۴۶ - مترجم                                                            |
|                                                                      | رده بندی کنگره: BL ۲۲۷۰                                                                             |
|                                                                      | رده بندی دیویی: ۲۰۱/۳۰۹۵۵                                                                           |
|                                                                      | شماره کتاب شناسی ملی: ۹۸۹۷۱۶۶                                                                       |

# اَنَاهِيتَا

روایت پیدایش و  
پذیرش ایزدبانوی آب

مانیا سعدی نژاد

ترجمه فاطمه شاداب



این کتاب ترجمه‌ای است از:

*Anahita*

*A History and Reception of the*

*Iranian Water Goddess*

Manya Saadi-Nejad

I. B. Tauris, 2021



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

\* \* \*

مانیا سعدی‌نژاد

آناهیتا

روایت پیدایش و پذیرش ایزدبانوی آب

ترجمه فاطمه شاداب

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۴۰۴

چاپ رسام

حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۵۳۳-۷

ISBN: 978-622-04-0533-7

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

*Printed in Iran*

## فهرست

|                                               |     |
|-----------------------------------------------|-----|
| توضیح دربارهٔ نسخه‌برداری                     | ۷   |
| مقدمه                                         | ۹   |
| ۱. ایزدبانوان جهان باستان                     | ۱۷  |
| ۲. ایزدبانوان آب در فرهنگ هندواروپایی         | ۳۱  |
| ۳. اَرَدَوی سوره اَناهیتا در اوستا            | ۶۳  |
| ۴. مقایسهٔ اَناهیتا با سایر ایزدبانوان ایرانی | ۱۰۵ |
| ۵. اَناهیتا: ایزدبانویی تلفیقی                | ۱۳۳ |
| ۶. اَناهیتا در گذر زمان                       | ۱۵۳ |
| ۷. اَناهیتا در متون پهلوی                     | ۱۶۹ |
| ۸. رد پای اَناهیتا در ایران پس از اسلام       | ۱۹۹ |
| نتیجه‌گیری                                    | ۲۳۳ |
| سخن پایانی                                    | ۲۳۵ |
| منابع فارسی استفاده‌شده در ترجمه              | ۲۳۷ |
| کتاب‌شناسی                                    | ۲۳۸ |
| نمایه                                         | ۲۵۵ |



## توضیح دربارهٔ نسخه‌برداری

نسخه‌برداری از اوستا بر اساس نسخهٔ کارل هوفمان (Hoffmann 1975) صورت گرفته است. برای زبان پهلوی از نسخهٔ دیوید نیل مکنزی (Mackenzie 1986) استفاده کرده‌ام. متن‌های فارسی نو از دانشنامهٔ ایرانیکا برداشته شده است (Yarshater 1982).





## مقدمه

در این کتاب سیر تطور آناهیتا مهم‌ترین ایزدبانوی ایران باستان در گذر زمان بررسی می‌شود. احتمالاً آناهیتا از ایزدبانوی (یا ایزدبانوهای) آب‌ها متعلق به مردمان نیاهندواروپایی<sup>۱</sup> عهد باستان در دوران ماقبل تاریخ، حدود هزاره پنجم قبل از میلاد یا پیش‌تر از آن، ریشه گرفته و در اواخر دوران هخامنشیان در کنار اهورامزدا و میترا به جایگاه یکی از سه خدای اصلی رسیده است. یکی از مهم‌ترین سرودهای اوستا به نام آبان‌یشت در بزرگداشت آناهیتا سروده شده که اهمیت او را در دین زرتشتی نشان می‌دهد. در مسیر این دگرگونی، کارکردهای او در مقایسه با سایر ایزدبانوهای پیشین منطقه‌ای که ایرانیان در آن‌جا سکونت گزیده بودند بیشتر شده است. نمونه‌های گوناگونی از آناهیتای ایرانی را می‌توان در فرهنگ‌های دینی سرزمین‌های همسایه، از جمله ارمنستان، باکتریا،<sup>۲</sup> و سغدیة<sup>۳</sup> یافت. با ورود اسلام، هرچند آیین پرستش آناهیتا رنگ باخت، جنبه‌های گوناگونی از آن در قالب شخصیت‌های زن ایرانی از ادبیات گرفته تا داستان‌های عامیانه و نیز در آیین و رسوم که با آب در ارتباط بودند با افزودن رنگ و بوی اسلامی دوام آورد. هدف این کتاب بررسی این تغییرات در طول زمان و مکان‌های مختلف است تا بتوانیم سیر تحول آناهیتا را در نقش یکی از خدایان اصلی ایران درک کنیم و دگرگونی دایمی نقش او را در جوامع فرهنگی گوناگونی که در محدوده ایران‌زمین قرار داشته‌اند بهتر دریابیم.

---

1. proto-Indo-European

۲. نام قدیمی سرزمین میان رشته‌کوه‌های هندوکش و آمودریا که مرکز آن باکتر (بلخ کنونی) بود؛ در کتیبه‌های ایرانی نام آن به صورت باختری (bāxtari) آمده است. (دائرةالمعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب: باکتریا) (تسمایی پانویس‌ها از مترجم است).

۳. ناحیه‌ای در آسیای مرکزی مطابق با نواحی بخارا و سمرقند امروزی. (همان: سغد)

طبق متن اوستا و کتیبه‌های سلطنتی سه امپراتوری متوالی ایرانی، آناهیتا (در کنار میترا) قدرتمندترین ایزدبانوی آفریده‌اهورامزدا بود.<sup>(۱)</sup> آناهیتا در اصل ایزدبانوی آب‌ها بود، ولی در مناطقی که آیین پرستش او رواج یافت جنبه‌های دیگری از ایزدبانوهای پیشین هم به او نسبت داده شد. آناهیتا به طور خاص ایزدبانوی رودخانه‌ها و دریاچه‌ها بود. معابدی برای بزرگداشت او در سارد، بابل، دمشق، تخت‌جمشید، بیشاپور، و همدان و همچنین در افغانستان و ارمنستان در حاشیه رودها ساخته شده است.<sup>(۲)</sup> مکان‌هایی از این قبیل را می‌توان در سراسر ایران دید (پل دختر، قلعه دختر و ...) که یادآور آناهیتا هستند. گمان می‌رود بسیاری از مکان‌های مقدسی که در منطقه خاورمیانه‌اند در اصل معابد آناهیتا بوده‌اند.<sup>(۳)</sup> معبد چارستین (چهارستون)<sup>۱</sup> در کوهپایه‌های نزدیک شهر دهوک در کردستان عراق که به‌تازگی و در سال ۲۰۰۶ حفاری‌های باستان‌شناختی در آن‌جا صورت گرفته نمونه‌ای بارز است: اتاقکی مربع‌شکل که دورتادور آتشگاه اصلی آن را جوی‌های آبی فراگرفته که ارتفاع آب در آن‌ها تا زانو می‌رسیده و از آب روان تغذیه می‌شده‌اند. این معبد در دیواره صخره‌ای کوه تراشیده شده و به مکانی روباز برای قربانی کردن منتهی می‌شود. باستان‌شناسان گرد این معبد را به آناهیتا منسوب دانسته‌اند.<sup>(۴)</sup>

در دین باستانی ایرانیان، آناهیتا از جنبه‌های گوناگونی اهمیت دارد. یکم، او در میان خدایان مذکر پرتعداد، برجسته‌ترین ایزدبانوی ایرانیان است که «سزوار پرستش است».<sup>(۵)</sup> دوم، جنبه‌های دیداری او بیش از هر خدای ایرانی دیگری تکامل یافته است: او توانایی تغییر شکل دارد و می‌تواند گاه به شکل ایزدبانو دربیاید و گاه رودخانه باشد و به هر دو شکل توصیف شده است. در اوستا ویژگی‌های جسمانی او با جزئیات و به تفصیل شرح داده شده است. فقط برخی از خدایانی که نامشان در یشت‌ها آمده در قالب اشکال جسمانی مختلف (به شکل جانوران و انسان) وصف شده‌اند. در نظام اعتقادی ایرانیان، برخلاف اسطوره‌های یونانی و منطقه میان‌رودان که خدایانشان را به شکل انسان تصویر می‌کردند، خدایان معمولاً در هیئت انسانی تجسم نمی‌یافتند.

آناهیتا در اصل ایزدبانوی آب است، ولی باروری، محافظت و شفا بخشی هم به او نسبت داده شده است. آناهیتا در گذر زمان و احتمالاً تحت تأثیر ایزدبانوهای غیرهندواروپایی ویژگی‌های دیگری پذیرفته و کارکرد روحانی و جنگاوری هم به او داده شده است. برخلاف خدایان دیگر که به یک گروه خاص اجتماعی تعلق داشتند، آناهیتا با هر سه گروه بزرگ اجتماعی ایران باستان، طبقه حاکمان/روحانیان، جنگاوران و «تولیدکنندگان»<sup>(۶)</sup>

پیوند داشت. در آن دوره تاریخی – به‌ویژه با توجه به سرود آبان‌یشت که در ستایش آناهیتاست – او در هیئت یَزَت [ایزد] خدای مؤنث آب‌ها<sup>(۷)</sup> سه جنبه متفاوت دیگر هم داشت: او هم‌زمان هم حاکمی روحانی بود، هم خداوند قدرتمندی که جنگاوران را در پناه خویش می‌گرفت و هم ایزدبانوی باروری بود.<sup>(۸)</sup> به این ترتیب آناهیتا با پذیرش ویژگی‌های جدید از خدایان غیرایرانی و محلی پیشین، برای تمام پرستندگان با هر نیاز و خواسته‌ای که داشتند و در هر سطح اجتماعی‌ای که بودند کارایی داشت و همین سبب شد که او در جامعه ایرانیِ نوظهور جایگاه مهم و یگانه‌ای بیاید.

شواهد بسیاری دال بر محبوبیت آناهیتا در دوران باستان وجود دارد، در آن روزگار مردم احترام خاصی برای آناهیتا قایل بودند، ولی از جزئیات چگونگی ستایش وی اطلاعاتی در دست نیست. جنبه‌های گوناگون، کارکردها، و جایگاه او در میان خدایان در دوران‌های مختلف تاریخی و نیز در میان ادیان و فرهنگ‌های گوناگون مردم ایران – در آسیای صغیر که ارمنستان، آناتولی و حتی شبه‌جزیره عربستان را در بر می‌گرفت<sup>(۹)</sup> – در مناطقی که پرستش آناهیتا رواج داشت متفاوت بوده است. هدف این بررسی ارائه طرح‌واره‌ای از تغییرات در طول زمان و مکان‌های مختلف است تا بتوان تکامل آناهیتا را در قالب یکی از ارکان مهم دین ایرانیان بهتر شناخت و نقش‌ها و ویژگی‌های گوناگون و متغیر او را در جوامع ایرانی مختلف با فرهنگ‌های گوناگون به‌خوبی درک کرد.

ممکن است هیچ‌گاه نتوانیم به جزئیات تغییر و تحول آناهیتا در طول تاریخ پی ببریم، و نمی‌توانیم با قطعیت بگوییم پس از مهاجرت ایرانیان به جنوب غرب آسیا، او جایگاه ایزدبانو یا ایزدبانوهای پیشین محلی را گرفته و بدون این‌که به جایگاهی که در مقام ایزدبانوی آب‌ها داشته خدشه‌ای وارد شود بر اهمیتش افزوده شده است.

مطالعه‌ای مقایسه‌ای درباره اسطوره‌های مختلف مردمان گوناگون هندواروپایی انجام شده که نشان می‌دهد در طول دوره مشترک (حدود ۵۰۰۰ ق.م) مردم ایزدبانوی آب‌ها را ستایش می‌کرده‌اند. (با اطلاعات موجود نمی‌توان با قطعیت گفت که این ایزدبانو چه نام داشته است. در فصل چهارم در این باره توضیح می‌دهیم که یکی از لقب‌های آناهیتا بسیار قدیمی است.) آناهیتا نمونه ایرانی این ایزدبانوی فرضی است و برای عده زیادی اهمیت اسطوره‌ای و آیینی داشته است. افرادی که آناهیتا را ستایش می‌کردند (از جمله مردمان غیرایرانی) پس‌زمینه‌های فرهنگی گوناگونی داشتند و رویارویی‌های تاریخی این مردمان سبب شد تا شمار پرستندگان آناهیتا افزایش چشمگیری یابد و قابلیت افزایش فراکارکردی او این امکان را فراهم کرد تا بتواند تمام طبقات اجتماعی را در بر بگیرد.<sup>(۱۰)</sup> در نتیجه جایگاه آناهیتا در طول زمامداری سه امپراتوری حاکم بر ایران بی‌بدیل باقی ماند.

آناهیتا، یا آن‌طور که در اوستا آمده اَرِدوِی سوره آناهیتا، در مقام مهم‌ترین ایزدبانوی ایرانی در کانون بسیاری از مطالعات ایرانی و غربی بوده است. اغلب این مطالعات به شکل مقالاتی کوتاه بوده‌اند که هویت و عملکردهای گوناگون او را بررسی کرده‌اند. اما تا به امروز مطالعه‌ای دربارهٔ ریشه‌ها یا تغییر و تحولات او انجام نشده که تصویری جامع از او در طول تاریخ ترسیم کند. هدف این مطالعه این است که از پس این مهم برآید.

در بررسی تغییر و تحولات تاریخی آناهیتا، پرسش‌هایی مطرح می‌شود: آناهیتا از منظر دینی و اسطوره‌شناختی و در مراحل مختلف تکاملی‌اش واقعاً نماد چیست؟ می‌توان هویت اصلی او را در مقام یک ایزدبانوی هندواروپایی آب به شکلی متقاعدکننده ثابت کرد؟ اگر این‌گونه است، آیا آناهیتا با این ایزدبانوها نقاط اشتراکی دارد و این اشتراک تا چه اندازه است؟ این شباهت‌ها چگونه و چه وقت به او انتقال یافته‌اند؟ نقش اصلی او که ایزدبانوی آب‌هاست چگونه با سایر کارکردهایی که در طول زمان به وی نسبت داده شده در هم آمیخته است؟

هنگام بررسی نقش‌ها و نمادهای آناهیتا در اواخر دوران هخامنشی، دورانی که آناهیتا بیشترین محبوبیت را داشت، پرسش‌های بیشتری مطرح می‌شود. از حضور آناهیتا در میان ایزدان ایرانی به چه نتیجه‌ای می‌رسیم؟ بررسی نقش آناهیتا به‌خصوص در دوران اشکانیان و ساسانیان باعث طرح پرسش‌های مشابهی می‌شود: آیا اهمیت او در دوران دو شاهنشاهی بعدی ایران هم حفظ شده بود؟ در اوستا و متون فارسی میانه چه نقشی داشته است؟ تصویرسازی از آناهیتا در این دو دوره چه تفاوت‌هایی داشته است؟ آیا نیروهای اجتماعی-سیاسی در بروز این تحولات نقش داشته‌اند؟

و به طور کلی‌تر، جایگاه والای یک ایزدبانو در میان ایزدان ایرانی بیانگر چیست؟ آیا می‌توان این را بازتابی از روابط مبتنی بر جنسیت حاکم بر جوامع ایران باستان دانست؟ یا وجود ایزدبانوها فقط تجسم اندیشه‌های مردانه دربارهٔ زنانگی است؟ آیا می‌توان اهمیت آناهیتا در جامعهٔ ایران را بازتابی از جایگاه مترقی زنان در جوامع ایرانی دانست، یا تنزل آشکار مقام او که در متون دینی پهلوی دیده می‌شود خلاف آن را نشان می‌دهد؟ سرانجام، پس از مسلمان شدن مردمان ایران‌زمین، کدام جنبه‌های میراث آناهیتا در ادبیات، یا آیین و رسوم دینی رایج یا در افسانه‌ها دوام آورده‌اند و چگونه می‌توان آن‌ها را باز یافت؟

در این مطالعه شباهت‌های (و تفاوت‌های) ایزدبانوهای مختلف بررسی شده است. از همین رو ویژگی‌ها و درونمایه‌های مشترک آن‌ها را با استفاده از اسطوره‌شناسی مقایسه‌ای بررسی کرده‌ایم. در این بررسی لازم است رابطهٔ بین ایزدبانوهای اسطوره‌ای گوناگون (از فرهنگ‌های مختلف) را بررسی کنیم تا بتوانیم شباهت‌های اساسی را دریابیم و خاستگاه

مشترک احتمالی آن‌ها را کشف کنیم. برای بررسی تغییر و تحولات ایزدبانویی به نام «آناهیتا» لازم است نقطه آغازی تعریف کنیم.

موضوع باروری - هم در مورد افراد قبیله و هم دام‌ها - برای مردمان عهد باستان اهمیت زیادی داشته و تجلی آن را می‌توان در آیین و رسوم دینی ایشان دید. بر این اساس، زندگی‌بخش بودن زنان کانون اصلی زندگی دینی ایشان را شکل می‌دهد. مشهورترین نماد بصری باروری و زنانگی در دوران باستان تندیس‌های برهنه‌ای هستند که تحت نام کلی «ونوس» از آن‌ها یاد می‌شود، تندیس‌هایی با پستان‌های برجسته، باسن بزرگ و ران‌های چاق که احتمالاً نماد باروری بوده‌اند. پژوهشگران فمینیست امروزه بر آن‌اند جهانی مانند دنیای هزاره چهارم پیش از میلاد را بازسازی کنند، جامعه‌ای که «مادرسالاری» در آن حاکم بود و ایزدبانوها در کانون آن قرار داشتند و پدرسالاری در آن جایی نداشت.<sup>(۱۱)</sup> هدف ما این است که با اطلاعات موجود، عناصر زنانه‌ای را که در زندگی دینی جوامع باستانی وجود داشته بدون تکیه بر چنین پیشفرض‌هایی تجزیه و تحلیل کنیم.

در متون اساطیری کهن می‌توان شواهد روشنی از پرستش ایزدبانوها یافت، از جمله متون مربوط به اینانا<sup>۱</sup> ایزدبانوی سومری، اما شواهد نوشتاری از دوران «مادرسالاری» در دست نیست، و در متون موجود احتمالاً تغییراتی اعمال شده که بیانگر دیدگاه‌های مردانه نویسندگان این متن‌هاست، نویسندگانی که در دوران پدرسالاری زندگی می‌کردند.<sup>(۱۲)</sup> حداکثر کاری که می‌توان کرد این است که برای درک «معانی نهانی» این متون به نمونه‌های شفاهی قدیمی‌تر و آنچه ترویج می‌کرده‌اند مراجعه کنیم.

در موضوع مورد بحث ما، نقش حیاتی آب در همه اشکال آن (رودخانه، دریاچه، نهر و...)، که برای بقای نسل بشر لازم است، اهمیت زیادی دارد. همان‌طور که خواهیم دید، باروری و شفا بخشی کارکردهای رایج ایزدبانوهای آب بوده است و بسیاری از آیین و رسوم و پیشکش‌هایی که به ایشان تقدیم می‌شده در ارتباط با این موضوع بوده است. در واقع بخش زیادی از این شواهد و مدارک بیانگر این است که آب کانون اصلی بسیاری از آیین و سنتی است که در فرهنگ‌های مختلف رواج داشته و از فرهنگ مردمان نیاهندواروپایی نشئت گرفته است. مراسم آیینی برای بزرگداشت قدرت مافوق‌طبیعی آب و ایزدبانوهای مربوط به آن در ساحل رودها و دریاها برگزار می‌شدند و قربانی‌ها به آب (که معمولاً با ایزدبانوها مرتبط بودند) پیشکش و در آب ریخته می‌شدند.

برای درک اهمیت این نمادها و آیین‌های دینی باید با نقش آیین و رسوم در جوامع

باستانی آشنا شویم. آن‌ها مهم‌ترین نیازها و عمیق‌ترین نگرانی‌های مردم را بازتاب می‌دادند و از این رو تجلی ارزش‌های جامعه بودند. آیا در داستان‌های اسطوره‌ای و افسانه‌های گوناگون مربوط به ایزدبانوی آب «خط روایی» مشترکی وجود دارد؟ در موضوع مورد نظر ما، در الهیات زرتشتی (مانند سایر ادیان)، نمادها و جهان‌بینی در اصل به شکل گفتمان انحصاری نخبگان مرد و به منظور مشروعیت بخشیدن به اقدامات ایشان پدید آمده است. در این پژوهش تلاش می‌کنیم تا نقش ایزدبانوها – به‌ویژه ایزدبانوهای آب و به طور خاص آناهیتا – را بررسی کنیم و بفهمیم آیا جنسیت آناهیتا اهمیت خاصی داشته یا خیر.

پس بدیهی است که این پژوهش کاملاً گزینشی است: این پژوهش – بجز در موارد مربوط به بحث – به مسائل زبان‌شناختی متون اوستایی و پهلوی نمی‌پردازد. توجه ما بیشتر به تغییر و تحولات آناهیتا در طول زمان معطوف شده است. تمرکز اصلی ما بیش از هر چیز بر پرستش ایزدبانوها به‌خصوص ایزدبانوهای هندواروپایی آب است. ما این ایزدبانوها و آیین پرستششان را با آناهیتا مقایسه می‌کنیم و با الگوبرداری از روش‌هایی که در مطالعات مربوط به جنسیت به کار می‌روند تلاش می‌کنیم تا ریشه‌های مشترک احتمالی را دریابیم و بفهمیم کدام ویژگی‌ها یا کارکردها را از آن‌ها گرفته است. سپس می‌کوشیم این ایزدبانو را با در نظر گرفتن پدیدارشناسی دین مزداییان، آن‌گونه که در متون مهم از جمله آبان‌یشت، متون فارسی میانه (پهلوی) و سایر منابع تعبیر شده، بشناسیم و جایگاه او و تکاملش را از ایزدبانوی آب که احتمالاً کارکرد محدودی داشته تا ایزدبانویی که توانایی‌های متعددی به وی منسوب است بررسی کنیم. در این ارتباط او را با مهم‌ترین ایزدبانوهایی که در اوستا از آن‌ها نام برده شده مقایسه خواهیم کرد. و سرانجام، تکامل او را در طول زمان و در مکان‌های مختلف بررسی می‌کنیم و ماندگاری احتمالی او را دنبال می‌کنیم و رد پای او را در ادبیات و آیین و رسوم رایج در ایران پس از اسلام می‌جوئیم.

## یادداشت‌ها

۱. یشت پنجم، ۶.
۲. برای بررسی معابد منسوب به آناهیتا در ادبیات یونانی مراجعه کنید به De Jong 1997, pp. 277-84 و نیز Chaumont 1989.
3. Treve 1967, pp. 121-32.
4. Al-Barwari 2013.
۵. یشت پنجم، ۱.
6. Mallory and Adams 2006, p. 433.
۷. یشت پنجم، و Rose 2015, p. 275.
۸. یشت پنجم، ۸۵-۸۷.

9. De Jong 1997, pp. 268-73.
10. Mallory and Adams 2006, p. 433.
11. Gimbutas 1982.

برای نقد روش‌های گیمبوتاس مراجعه کنید به Meskell 1995.

۱۲. حدود صد سال پیش، جین هریسون شناخت ادیان باستانی را با اتکا بر متون باستانی که مردان نوشته بودند زیر سؤال برد. به گفته او، افسانه‌های یونانی که هزیود [شاعر یونانی] سروده کاملاً تجدیدنظرطلبانه و انگیزه‌اش هم «بداندیشی ناشی از عناد دینی» بوده است.





## ایزدبانوان جهان باستان

در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد ایرانیان به مناطق آسیای مرکزی و جنوب غرب کوچیدند. پیش از آن، در این مناطق جوامع بدوی گوناگونی بودند که در آیین و رسوم دینی‌شان پرستش ایزدبانوها نقش محوری داشت.<sup>(۱)</sup> این جوامع پیشاایرانی عبارت بودند از مردمانی که آثاری از آن‌ها در مجموعه باستان‌شناختی باختر-مرو<sup>۱</sup> در آسیای مرکزی (حدود سال ۲۳۰۰ تا ۱۷۰۰ ق.م) برجای مانده، عیلامی‌ها در جنوب غرب آسیا، مردمان گوناگون ساکن در منطقه میانرودان، گروه‌های متعدد عشایر شبانی در کوه‌های زاگرس و فلات‌های شرقی تر آن.

ایزدبانوها و کارکرد آن‌ها و آیین و رسوم مربوط به ایشان در طول زمان تغییر کرده و همواره حاصل درهم آمیختگی منابع مختلف بوده است. به این ترتیب آنهایتا در مقام یک ایزدبانوی تلفیقی (در فصل پنجم شرح داده می‌شود) ویژگی‌های متفاوتی داشته که احتمالاً آن‌ها را از ایزدبانوهای پیشین در فلات ایران به عاریت گرفته است. با هدف درک بهتر ویژگی‌ها و عملکرد آنهایتا و آیین و رسوم مربوط به او لازم است ایزدبانوهایی را که از دوران پیش از تاریخ وجود داشتند کمی بهتر بشناسیم. برخی از این ایزدبانوها خاستگاه ایرانی و برخی غیرایرانی دارند و شناخت آن‌ها به ما کمک می‌کند بتوانیم نقش آنهایتا را در چارچوب بزرگ‌تری بررسی کنیم.

### پیکرک‌های «ونوس»

شناخته‌شده‌ترین نمادهای بصری زنانه مربوط به دوران باستان پیکرک‌های «ونوس» است.

۱. Bactriana-Margiana Archaeological Complex. یا همان تمدن آمودریا.

این پیکرها که در منطقه‌ای وسیع در سراسر اوراسیای غربی یافت شده‌اند به بازه زمانی گسترده‌ای تعلق دارند، از اوایل عصر پارینه‌سنگی (حدود ۲۵۰۰۰ ق.م) تا عصر برنز/مفرغ (حدود ۲۰۰۰ ق.م).<sup>(۲)</sup> پیکرک‌های ونوس اغلب برهنه‌اند و اشکال گوناگونی دارند، اما معمولاً پستان‌های برجسته (یا گاهی بسیار کوچک)، باسن‌هایی بزرگ، و ران‌هایی چاق دارند. برخی از آن‌ها بارداری به نظر می‌رسند. این ویژگی‌ها باستان‌شناسان را بر آن داشته تا آن‌ها را نماد ایزدبانوی مادر و در پیوند با آیین باروری بدانند.<sup>(۳)</sup> هرچند تعابیر دیگری هم ممکن است وجود داشته باشد.<sup>(۴)</sup>

هرچند صاحب‌نظران تا حدی همگی بر این باورند که این پیکرک‌ها نماد طیف وسیعی هستند و عملکردهای گوناگونی از قبیل پرستش پیشینیان، حاصلخیزی زمین، اشیایی با دلالت‌های جنسی، راهنمای جهان زیرین برای درگذشتگان، جایگزینی برای قربانی کردن انسان، آموزش قوانین اجتماعی به کودکان، یا اسباب‌بازی ایشان داشته‌اند،<sup>(۵)</sup> احتمالاً کارکرد آن‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت بوده است.

### پیکرک‌های ونوس در ایران

مردمانی که به زبان هندواروپایی سخن می‌گفتند حدود ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ ق.م کوچ خود را از استپ‌های جنوب روسیه آغاز کردند.<sup>(۶)</sup> و در میان مردمانی با فرهنگ‌های گوناگون پراکنده شدند که نتیجه آن دگرگونی، سازگاری و ادغام باورهایشان با باورها و آیین و رسوم مردمان میزبان بود. همزمان، تمام مردمانی که خاستگاه نیاهندواروپایی داشتند جنبه‌هایی از زبان و فرهنگ پیشینیانشان را حفظ کردند، زبانی که امروز میراث مشترک هندواروپایی ما را تشکیل داده است.

پیکرک‌های ونوس، که در سرتاسر فلات ایران از جمله تپه سراب در شرق کرمانشاه، تپه گیان در نزدیکی نهاوند، تپه علی کوش نزدیک دزفول در خوزستان، تپه سیلک نزدیک کاشان، گلورز نزدیک تپه جلالیه در گیلان،<sup>(۷)</sup> و تورنگ تپه نزدیک گرگان<sup>(۸)</sup> یافت شده‌اند، ممکن است حاکی از پرستش یک ایزدبانو در کل منطقه باشند، که پیش از ورود ایرانی‌هایی که به زبان هندواروپایی سخن می‌گفتند و در پایان هزاره دوم قبل از میلاد به فلات ایران رسیدند، ستایش می‌شده است.

مطالعات امروزی درباره تاریخ ایران با باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، و رویکردهای متن‌محور آمیخته شده‌اند تا روایت تاریخی غرب آسیا را تکمیل کنند. اما با استناد به تاریخ این منطقه، «ایرانیان» تمایل داشته‌اند این واقعیت را که پیش از ورود ایشان مردمانی در این سرزمین زندگی می‌کرده و بعضاً تمدن‌هایی پایدار داشته‌اند کتمان کنند. می‌توان تبادلات

فرهنگی بین ساکنان قدیمی و تازه‌واردها (هندواروپایی‌ها با ایزدبانوهای خاص خودشان) را ردیابی کرد و در برخی موارد نشان داد.

در هزارهٔ دوم پیش از میلاد هنگامی که ایرانیان به سمت جنوب و سپس به سمت غرب به سوی فلات ایران کوچیدند،<sup>(۹)</sup> احتمالاً بین تازه‌واردان و مردمان بومی منطقه که پیش‌تر در آن‌جا ساکن بودند تبادلات دوجانبه‌ای صورت گرفته است. کزازی و وحدتی‌نسب تفاوت‌های بارزی را در سبک و نسبت‌های بدنی پیکرک‌هایی که در طول این دو بازهٔ زمانی – از دوران پارینه‌سنگی تا نوسنگی – و از نظر مکانی در اروپای مرکزی و ایران یافت شده‌اند گزارش کرده‌اند. این تفاوت‌ها بیانگر روند ادامه‌دار تأثیرات دوجانبه و رویارویی فرهنگی بین مردمان گوناگون دوران باستان است.<sup>(۱۰)</sup>

### پرستش ایزدبانوان پیشاایرانی در سرزمین‌های ایران

بخش اعظم مواد فرهنگی یافت‌شده که به پرستش ایزدبانوها در مناطق مرکزی ایران مربوط می‌شود به دوران پیش از ورود ایرانی‌زبان‌ها تعلق دارد. واقعیت این است که ما نمی‌توانیم با قطعیت این دست‌ساخت‌ها را تعبیر و تفسیر کنیم و فقط حدس می‌زنیم که این پیکرک‌ها احتمالاً با نوعی پرستش ایزدبانوها مرتبط بوده‌اند.

در برخی موارد، مطالب نوشتاری را می‌توان با شواهد فیزیکی مانند اشیای سنگ‌نگاره‌ها مرتبط دانست. شاید بتوان گفت مهم‌ترین ارتباط بین منابع نوشتاری و شواهد مادی موجود دال بر پرستش ایزدبانوها در آناتولی غربی یافت شده است. در چاتال‌هویوک – که مردمانی از سال ۶۲۵۰ تا ۵۴۰۰ ق.م در آن‌جا زندگی می‌کرده‌اند – پیکرک‌های زنانه‌ای یافت شده که با آیین باروری با محوریت ایزدبانو همخوانی دارد، فرقه‌ای که از دوران پیش از تاریخ تا دوران تاریخی دوام آورده است.<sup>(۱۱)</sup> چنان‌که اِرَنبرگ می‌گوید: «بنا بر اسناد تاریخی منطقهٔ آناتولی، پرستش ایزدبانوی باروری چندین هزار سال پس از ساخت پیکرک‌های مربوط به دوران نوسنگی در این منطقه رواج داشته و این احتمال را تقویت می‌کنند که پیکرک‌هایی که در آناتولی پیدا شده‌اند و به دوران‌های پیش‌تر تعلق دارند، به‌خصوص با بررسی شکل و محتوای پیکرک‌ها، نمادی از همین ایزدبانو باشند.»<sup>(۱۲)</sup>

### عیلام

در میان مردمانی که در مناطق مختلف جنوب‌غرب آسیا زندگی می‌کردند، عیلامی‌ها در زمرهٔ مهم‌ترین‌ها هستند. جامعهٔ «پارسی» که در دوران هخامنشیان (۵۵۰–۳۳۰ ق.م) پدید

آمد در واقع آمیزه‌ای بود از عیلامیان بومی و ایرانیانی از قبیله پارس که به این منطقه آمده بودند.<sup>(۱۳)</sup> عیلامی‌ها در منطقه وسیعی سکونت داشتند که از خاستگاهشان در جنوب کوه‌های زاگرس و خوزستان در کناره جنوب شرقی فلات میانرودان تا شرق تا حدود کرمان در جنوب شرقی فلات ایران گسترده شده بود. فرهنگ مردمان منطقه میانرودان – تمدن سومری‌ها، بابلی‌ها و آشوری‌ها – که به نظر می‌رسد در آغاز ایزدبانو محور بوده<sup>(۱۴)</sup> در فرهنگ عیلامی‌ها به شدت تأثیر داشته و احتمالاً جامعه باستانی عیلامی هم در ابتدا ایزدبانو محور بوده است.<sup>(۱۵)</sup>

به مدت ۲۰۰۰ سال، از ۲۶۰۰ تا ۶۴۰ ق.م، عیلامی‌ها قدرت سیاسی اصلی منطقه بودند. موطن آن‌ها در کتاب مقدس عبرانی به نام عیلام (به معنای «سرزمین مرتفع»، به خاستگاه ایشان در بخش جنوبی رشته کوه زاگرس اشاره دارد) خوانده شده است (از آوانویسی سومری (elam(a)، آوانویسی اکدی (elamtu، عیلامی (haltamti). عیلامی‌ها در متون خودشان که به خط میخی نگاشته شده، از کشورشان با نام «Ha(l)-tamti» یاد کرده‌اند، که احتمالاً به شکل «هَلْتَمْتی» خوانده می‌شده که به معنی «سرزمین زیبای خدا» یا فقط «سرزمین مرتفع» است.<sup>(۱۶)</sup> از آن‌جا که Hal به معنی «سرزمین» و «tamti» به معنی «خدا» است، به نظر می‌رسد آن‌ها نام کشورشان را سرزمین خداوند گذاشته باشند.<sup>(۱۷)</sup>

دو جنبه مهم در باورهای عیلامی اهمیت آیین و سنن مربوط به زنان و تقدس مار بوده است، که احتمالاً هر دوی آن‌ها یادگار دوران‌های پیش‌تر بوده، هنگامی که ایزدبانوها محوریت داشتند. نمادهای مار در سنگ‌نگاره‌ها، مهرها، و روی اشیای گوناگون مانند ظروف آبنوشی دیده می‌شود. مارها را عامل محافظت در برابر قدرت‌های اهریمنی می‌دانستند. آن‌ها نماد باروری و ثروت بودند. حتی امروزه هم در داستان‌های عامیانه ایرانی برای مارها ویژگی‌های متضادی قایل‌اند؛ آن‌ها زیر ظاهر ترسناکی که دارند نماد ثروت و خردمندی‌اند.

فراوانی پیکرک‌های عیلامی، که به نام «ایزدبانوی برهنه»<sup>(۱۸)</sup> شهرت یافته‌اند، بیانگر اهمیت ایزدبانوها در این منطقه است. منابع نوشتاری هم این نظریه را تأیید می‌کنند، مثلاً قراردادی به تاریخ سال ۲۲۸۰ ق.م وجود دارد که در آن اسامی خدایان فهرست شده و با نام ایزدبانو پینیکیر<sup>۱</sup> آغاز می‌شود.<sup>(۱۹)</sup> او بزرگ‌ترین ایزدبانوی مادر عیلامی بوده و بابلی‌ها او را همتای ایزدبانو ایشتر<sup>۲</sup> خودشان می‌دانستند.<sup>(۲۰)</sup> به نظر می‌رسد اهمیت پینیکیر در طول هزاره بعدی کمتر شده باشد، که شاید بازتاب‌دهنده تغییر و تحولات جنسیتی در جامعه عیلامی باشد. چنان‌که در متون عیلامی متأخر آمده، با وجود آن‌که پینیکیر یکی از خدایان

مهم و مورد پرستش بوده، گاه در رأس خدایان عیلامی به جای او یک خدای مذکر به نام هومبان قرار می‌گرفت.<sup>(۲۱)</sup> به اعتقاد هینتس: «این واقعیت که به یک ایزدبانو جایگاه برتر داده شده و او بالاتر و جدا از سایر خدایان عیلامی قرار داشته بیانگر رویکرد مادرسالارانه پیروان آن آیین است.»<sup>(۲۲)</sup>

وجود تعداد زیادی پیکر زنانه که قدمتشان به حدود ۲۰۰۰ ق.م می‌رسد از این حکایت دارد که پینیکیر در آن دوران اهمیت زیادی داشته است. به تدریج پرستش او به بخش‌های جنوبی عیلام محدود شد و در آن‌جا پینیکیر با ایزدبانوی بومی منطقه در هم آمیخته شد و به کیریریشه،<sup>۱</sup> «الهة اعظم»، بدل شد که همسر هومبان بود. کیریریشه ایزدبانوی بومی منطقه‌ای در نزدیک بوشهر هم بود. در شوش، چغازنبیل و تپه لیان، که همگی بخشی از سرزمین ایران بودند، معابدی برای بزرگداشت کیریریشه ساخته شده بود. معمولاً از او به نام کیریریشه از لیان یاد می‌شود. شواهد موجود نشان می‌دهد در آیین و رسوم عیلامی مراسمی مربوط به آب و نهرهای جاری برگزار می‌شده است، از جمله دخمه‌ها و دختر در غرب استان فارس که پاتس آن را به کیریریشه مرتبط می‌داند.<sup>(۲۳)</sup>

با گذشت زمان شوش اهمیت بیشتری یافت و به مرکز فرهنگی عیلام بدل شد و این شوشینک<sup>۲</sup> خدای حامی شوش هم جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. هومبان که خدای خالق اعظم بود در کنار کیریریشه و این شوشینک مثلث برتر مجمع خدایان عیلامی‌ها را تشکیل می‌داد.<sup>(۲۴)</sup> به نظر می‌رسد که این رابطه بعدها به مجمع خدایان پارسی‌ها منتقل شده و در سه گانه اهورامزدا-ناهیتا-میترا تأثیر گذاشته باشد، که در فصل هفتم به آن می‌پردازیم. به نظر هینتس، این شوشینک «گاهی جای کیریریشه را می‌گرفته و بعد از هومبان در مقام دوم قرار می‌گرفته است»<sup>(۲۵)</sup> ولی هیچ‌گاه این شوشینک و میترا به جایگاه اول نرسیده‌اند.

### سومر و میانرودان

سومری‌ها هم مانند عیلامی‌ها مردمان غیرسامی و ساکن غرب آسیا بودند که خودشان را ug saĝ gíg-ga می‌نامیدند که معنای آن «مردمان سیاه‌سر»<sup>(۲۶)</sup> است و اولین تمدن شهرنشینی را حدود سال ۵۰۰۰ ق.م برپا کردند. وابستگی نژادی و زبانی آن‌ها هم مانند همسایگان عیلامی‌شان محل اختلاف نظر است و خاستگاه جغرافیایی ایشان هم ناشناخته مانده است. محل زندگی آن‌ها بین دو رود دجله و فرات از یک طرف تا خلیج فارس<sup>(۲۷)</sup> و از طرف دیگر تا سوریه امتداد داشت. سومری‌ها شهرهای زیادی ساختند که هر کدام ایزد و ایزدبانوی خاص خودش را داشت. آن‌ها معابدی معروف به «زیگورات» بنا می‌کردند که در

دشت‌های هموار میانرودان به کوه می‌مانست و تصور می‌کردند خدایشان در تارک آن قرار دارد. از این رو می‌گویند آن‌ها مردمانی بودند که از کوهستان‌ها به آن‌جا کوچیده بودند.<sup>(۲۸)</sup> جهان‌بینی سومری‌ها که تقدیس اسطوره‌ها و افسانه‌ها بود و برای اولین بار به خط میخی نوشته شد اساس تمدن‌های میانرودان را شکل می‌داد.

در افسانه آفرینش سومری، آفرینش با یک زوج ازلی آغاز می‌شود، یک ایزد و یک ایزدبانو که ایزدان بعدی را پدید می‌آورند.<sup>(۲۹)</sup> این افسانه به خط میخی روی لوح‌های گلی نوشته شده است. قدمت این لوح‌های گلی که در معبد متعلق به ایزدبانو اینانا (نین آن آک،<sup>۱</sup> «بانوی آسمان») در شهر اوروک یافت شده به اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد بازمی‌گردد. در افسانه سومری آفرینش از شهری به نام دیلمون یاد شده که در مورد موقعیت جغرافیایی آن تحقیق شده است. عده‌ای آن را با کاوش‌های باستان‌شناختی که در ویرانه‌های جزیره بحرین واقع در خلیج فارس انجام شده مرتبط دانسته‌اند.<sup>(۳۰)</sup> با توجه به این نکته که کیریریشه ایزدبانوی عیلامی منطقه ساحل جنوبی خلیج فارس<sup>(۳۱)</sup> بوده، آیا می‌توان این را نتیجه تبادلات فرهنگی دانست؟

تمدن میانرودان در تکامل فرهنگ ایرانیان هم به شکل غیرمستقیم از طریق عیلامی‌ها که سرانجام جذب جامعه پارسی شدند و هم مستقیماً با رویارویی‌هایی که بین دو گروه رخ می‌داد تأثیر گذاشت. ابعاد روابط سیاسی و اقتصادی میان ایشان انتقال برخی آیین و رسوم دینی و تأثیرات ایدئولوژیک را در بر داشت و تبادلات فرهنگی را شکل داد. این موضوع را می‌توان با چارچوب روش‌شناختی مربوط به مطالعات دینی بهتر درک کرد: «ادیان در دل فرهنگ قرار دارند و 'فرهنگ' تأثیرات سیاسی و اقتصادی را هم در بر می‌گیرد.»<sup>(۳۲)</sup>

پادشاهان هخامنشی کتیبه‌هایشان را به عیلامی، بابلی و فارسی باستان می‌نوشتند که از جهان‌شهرگرایی شاهنشاهی پارسی حکایت دارد. پس جای تعجب نیست که بگوییم ایرانیان برخی از تأثیرات دینی-فرهنگی سایر تمدن‌ها از جمله نقش ایزدبانوها را پذیرفته بودند.

## ایزدبانوان میانرودان

مردمان میانرودانی دوران باستان چندین ایزدبانوی مهم داشتند که نقش و کارکرد آن‌ها به تدریج به خدایان مذکر واگذار شد. اما اهمیت این ایزدبانوها چندین سده دوام داشت و عیلامی‌ها و بعدها ایرانی‌ها از آن تأثیر پذیرفتند.<sup>(۳۳)</sup> اینانا ایزدبانوی سومری و ایشتر ایزدبانوی بابلی، که عملکردهای مشابهی داشتند و آیین و رسوم مربوط به ایشان همانند بود، دو نمونه از ایزدبانوهایی هستند که در جوامع خودشان از اهمیت زیادی برخوردار

بودند. کارکرد و محبوبیت آن‌ها شبیه به آناهیتاست و احتمال ارتباط بین آن‌ها وجود دارد. از اواخر هزاره دوم قبل از میلاد تماس قبایل ایرانی با مردمان ساکن منطقه میانرودان آغاز شد، روندی که تأثیر متقابل فرهنگی و آمیختگی دینی را در پی داشت و بر باور به ایزدبانوها از جمله آناهیتا اثر داشت. پس از این برخوردهای جدید، آناهیتا همان شکل و شمایل را گرفت که در توصیف‌های دوران هخامنشی و پس از آن وجود دارد. بدیهی است مردمان ایرانی‌زبان هنگامی که وارد منطقه میانرودان شدند در هویت ایزدبانوهای اولیه منطقه تأثیر گذاشتند و تا حدی ایزدبانوی ایرانی، آناهیتا، را با آن‌ها درآمیختند. ویژگی‌های بصری و نیز مجموعه کارکردهای ایزدبانو از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت بود. شامون یکی از کسانی است که می‌گوید در مراحل ابتدایی رویارویی ایرانیان با میانرودانی‌ها (حدود ۱۰۰۰ ق.م و کمی بعد از آن) آناهیتا ایزدبانوی ایرانی آب برخی از ویژگی‌های ایشتر/اینانای میانرودانی به‌خصوص ویژگی‌های مربوط به جنگاوری را پذیرفت.<sup>(۳۴)</sup> این واقعیت را که معبدی در رباطک در افغانستان به نانا تقدیم شده و همچنین معبد دوران ساسانیان در استخر به آناهیتا پیشکش شده می‌توان گواه بر وجود ارتباط بین این دو ایزدبانو دانست.<sup>(۳۵)</sup>

### اینانا/ایشتر و نانا/نانا/ننا

تا مدت‌ها پژوهشگران گمان می‌کردند نانا (ننه) و اینانا یک ایزدبانو هستند و نانا نسخه متأخر ایناناست.<sup>(۳۶)</sup> اما پژوهش‌های اخیر تردیدهایی درباره این ادعا ایجاد کرده است. معلوم نیست این نام‌ها در ابتدا متفاوت بوده‌اند و شباهت آن‌ها ناشی از تبادلات فرهنگی است یا این‌که هر دو بخش‌هایی از یک ایزدبانوی باستانی بوده‌اند. پاتس (و برخی از پژوهشگران معاصر) معتقدند که اینانا/ایشتر با نانا فرق می‌کنند و نانا همان اینانا نیست.<sup>(۳۷)</sup> او می‌گوید: «نانا معمولاً با آناهیتا ایزدبانوی ایرانی یا آرتمیس ایزدبانوی یونانی همسان دانسته می‌شود».<sup>(۳۸)</sup>

### اینانا/ایشتر

اینانا یکی از ایزدبانوهای سومری است که از دیرباز پرستش می‌شده است. بابلی‌ها او را همتای ایشتر می‌دانستند. به نظر می‌رسد که او با جنگ، طبیعت (آب)، و رابطه جنسی (و نه ازدواج) ارتباط داشته و در معابد منسوب به او فحشای مقدس صورت می‌گرفته و حتی شریک جنسی مرد قربانی می‌شده است.<sup>(۳۹)</sup> او را تجلی انسانی سیاره ناهید می‌دانستند. عبارات‌های «اینانا هود»<sup>۲</sup> و «اینانا سیگ»<sup>۳</sup> به «اینانای صبحگاه» و «اینانای شامگاه» ترجمه شده که بر دو وضعیت سیاره ناهید به عنوان ستاره صبح و شام دلالت دارد.<sup>(۴۰)</sup> این موضوع ما را به

نمونه‌ای از تبادلات فرهنگی بین آناهیتا و اینانا می‌رساند یا با احتمال بیشتر به ویژگی‌هایی که آناهیتا از اینانا گرفته است. در متون پهلوی آناهیتا را اردویسور آناهید خوانده‌اند که با سیاره ناهید همانند است. این موضوع به روشنی تلفیق با ایزدبانو اینانا را نشان می‌دهد. این قضیه برای بحث ما اهمیت دارد، زیرا بحث درباره تغییرات آناهیتا بدون تجزیه و تحلیل نمونه‌های اسطوره‌ای ممکن نیست (در فصل نهم شرح داده می‌شود).

تأثیر فرهنگ و آیین و رسوم میانرودانی‌ها در قبایل هندواروپایی ایرانی‌زبان تدریجی بود. شاید بتوان آیین سوگواری سالانه برای «مرگ» دموزی،<sup>۱</sup> خدای گیاهان، را که قربانی شد و ارتباط آن را با اینانا محکم‌ترین گواه این تأثیر خواند. این مراسم نماد زایش دوباره طبیعت است و برای تمدن میانرودان که به کشاورزی وابسته بود اهمیت زیادی داشت. یکی از مهم‌ترین بخش‌های چرخه سالانه آیین مربوط به این اسطوره آیین و رسوم سوگواری برای مرگ این خدای عاشق بود که قربانی شده بود. در منابع ایرانی، از شاهنامه تا منابع شیعی، تغییراتی در این افسانه و افرادی که در مراسم شرکت می‌کردند پدید آمده که در فصل دهم بررسی خواهیم کرد.

پرسش دیگری که مطرح می‌شود درباره ظهور چندخداباوری است که در میان ایرانیان و میانرودانی‌ها رواج داشت. برآمدن مردوک در بالاترین جایگاه خدایان بابلی، مانند یهوه در متون عبرانی، را می‌توان به این صورت توضیح داد که یک خدای خاص در مقام پشتیبان یک گروه مشخص بر سایر رقیبانش پیروز شد. در سال ۵۳۹ ق.م هنگامی که کوروش کبیر بابل را فتح کرد، تلاش کرد خودش را پیرو مردوک بنمایاند. این روشن‌ترین نمونه‌ای است که نشان می‌دهد چگونه مهاجران ایرانی آزادانه دین مردمان میانرودان را در جهت اهداف خودشان تفسیر می‌کرده‌اند، البته مطمئناً این فقط نوک کوه یخ است. ایرانیان از افراد ممتاز گرفته تا افراد طبقات پایین‌تر و مردمان عادی از فرهنگ مردمان میانرودان آنچه را به کارشان می‌آمد برداشتند و به شکلی که برایشان مناسب بود تغییر دادند.

زوج الهی مردوک و ایزدبانو ایشتر شباهت‌های جالبی با زوج ایرانی میترا و آناهیتا دارند. در واقع، میترا و آناهیتا تنها خدایانی هستند که در کنار اهورامزدا در کتیبه‌های پادشاهان هخامنشی از آن‌ها نام برده شده است (کتیبه‌های اردشیر دوم، حدود ۴۰۴-۳۵۸ ق.م). آناهیتا برای اولین بار در دوران شاهنشاهی هخامنشی اهمیت یافت و تغییر و تحولاتش را در این دوره می‌توان با این الگو شرح داد. درباره این موضوع در فصل هشتم بحث خواهیم کرد.

نانا/ نانای/ نانا

نانا در اصل ایزدبانوی میانرودان است که احتمالاً با برخی از ایزدبانوهای دیگر در هم

۱. Dumuzi، به زبان سومری دمو-زی (پسر زندگی) خوانده می‌شد. (دایرةالمعارف فارسی، تموز)



آمیخت و پرستش آن در جنوب به‌ویژه در اوروک، شوش، و کوشان<sup>(۴۱)</sup> و نیز در شرق در میان خدایان باختر رواج داشت.<sup>(۴۲)</sup> ایزدبانو نانا با جنگ، باروری، خرد، و آب ارتباط داشت و در دورا اوروپوس به نام «آرتمیس نانا» پرستش می‌شد که نشانه‌ای از رواج فرهنگ یونانی، سامی و ایرانی در آن منطقه است. در سال ۲۰۰۴ ق.م، ائتلافی از عیلامی‌ها و «مردم سو»<sup>۱</sup> از اهالی سیماشکی/سیماش (احتمالاً از منطقه تمدن آمودریا در آسیای مرکزی) اور را فتح کردند و تندیس نانا را «به عنوان اسیر» به آنشان بردند. این تندیس پس از سال ۱۹۸۴ ق.م به اور بازگردانده شد.<sup>(۴۳)</sup>

نقش او بر سکه‌های کوشانی (سده اول تا چهارم میلادی) ضرب می‌شد که نشان می‌دهد حوزه پرستش وی تا شرق تا حدود دره رود سند و فراتر از آن گسترش یافته بود. در سنگ‌نگاره رباطک که به کانیشکای یکم، پادشاه کوشان، تعلق دارد (نیمه اول قرن یکم میلادی) نانا را امسا نانا<sup>۲</sup> خوانده؛ و روی سکه‌های کوشانی نانشان («نانای سلطنتی») نامیده شده است: «او ایزدبانویی است که حکومت می‌کند و تقدیر پادشاهی را رقم می‌زند.»<sup>(۴۴)</sup> در مجمع خدایان کانیشکا، نانا ایزدبانوی اصلی بود و در سنگ‌نگاره رباطک او بزرگ‌ترین خداست؛ معبد رباطک هم به او پیشکش شده است.<sup>(۴۵)</sup> نیولی در این عقیده که نانا ایزدبانوی اصلی در مجمع خدایان کانیشکا بوده تردید ایجاد می‌کند<sup>(۴۶)</sup> و می‌گوید نانا هم مانند آناهیتا ایزدبانویی بوده که معبد وقف او شده است. به نظر او، نه نانا و نه آناهیتا هیچ‌گاه در رأس مجمع خدایان نبوده‌اند. اما مایکل شنکار با نظر نیولی موافق نیست و می‌گوید: «برخلاف نظر نیولی، شواهدی وجود ندارد که نشان دهد در دوران حکومت کانیشکا، نانا مهم‌ترین معبود در مجمع خدایان سلطنتی او نبوده است. جایگاه او در سنگ‌نگاره رباطک این موضوع را تأیید می‌کند و نیز محبوبیت او که سبب شده بود تا نقش او بر سکه‌ها ضرب شود و نام او در نام‌گذاری استفاده شود، و این واقعیت که نانا تقریباً مهم‌ترین ایزدبانو در مناطق سغد و خوارزم در همسایگی کشور کانیشکا بود این موضوع را تأیید می‌کند.»<sup>(۴۷)</sup>

گرنِت می‌گوید نانا یکی از پنج خدایی بود که نقششان روی سکه‌های طلای کانیشکا ضرب می‌شد و به آن‌ها نام‌های ایرانی داده شده بود: نانا یا نانشائو،<sup>۳</sup> مییرو<sup>۴</sup> (میترا)، مائو<sup>۵</sup> (ماه)، آتشیو<sup>۶</sup> (آدور)، و آدو<sup>۷</sup> (واد).<sup>(۴۸)</sup> این خدایان برگزیده به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با عناصر طبیعی خورشید، ماه، آتش، و باد ارتباط داشتند: پس ایزدبانوی آب کجاست؟ هم در فهرست خدایان ایرانی که هرودوت تهیه کرده نام خدای آب آمده و هم در یشت یکم، ۹ و هم متن نیایش و دعا‌های روزانه که خورشید، ماه، آتش، و آب ستایش می‌شوند. به نظر می‌رسد که نزد کوشانی‌ها، نانا جایگزین ایزدبانوی آب (آناهیتا) شده بود. گرنِت می‌گوید نانا

حامی و محافظ سلطنت بود که یکی دیگر از شباهت‌های او به آناهیتاست. در همین دوره، در مجمع خدایان سغدی «در مواردی» به آناهیتا و نانا جدا از هم برمی‌خوریم.<sup>(۴۹)</sup>

رواج سکه‌های سغد که نام نانا بر آن‌ها نقش بسته بیانگر این است که در دوران پیش از اسلام در منطقه سغد او ایزدبانوی اصلی بوده است.<sup>(۵۰)</sup> با وجود آن‌که خاستگاه نانا سرزمین میانرودان بود، در سده‌های هفتم و هشتم در سغد به او بیش از سایر خدایان اهمیت داده می‌شده است.<sup>(۵۱)</sup> از آن‌جا که اغلب مردمان دوران باستان در سرزمین‌هایی زندگی می‌کردند که کشاورزی در آن‌جا رواج داشت، خدایان و آیین و رسوم مربوط به باروری اهمیت زیادی داشتند. قبایل هندواروپایی ایرانی‌زبان دیرتر از بقیه به این ناحیه رسیدند و فرهنگشان تحت تأثیر فرهنگ مردمانی که پیش از آن‌ها در این مناطق زندگی می‌کردند شکل گرفت.

انتشار آیین و رسوم مربوط به نانا در چنین پهنه گسترده‌ای نشان‌دهنده ارتباط‌های فرهنگی‌ای است (روابطی که به احتمال زیاد به سبب بازرگانی پدید آمده بودند) که از دوران پیش از تاریخ وجود داشتند و مناطق اطراف دریای مدیترانه را با مناطق آسیای مرکزی و فراتر از آن و نیز فلات ایران که در مرکز این منطقه قرار داشت مرتبط می‌کردند. از هزاره سوم پیش از میلاد، مردم در شوش نانا را می‌پرستیدند، آیین و رسوم مربوط به او تا دوران سلوکیان و اشکانیان دوام آورد. در این دوره او خدای اصلی شهر بود و آرتمیس-نانایا خوانده می‌شد.<sup>(۵۲)</sup>

گیتی آذری می‌گوید:

هرچند نمادها و ویژگی‌های تصاویر نانا در میان سغدیان و خوارزمیان در سده‌های میانه تحت تأثیر الگوهای رسمی هندی قرار گرفته، حکایت از این دارد که این ایزدانو رابطه‌اش با خورشید و ماه – ویژگی مربوط به منطقه میانرودان – را حفظ کرده و هویت خدای جنگ و عشق را هم پذیرفته است.<sup>(۵۳)</sup>

آیین نانا در آسیای مرکزی پیش از ورود هندوایرانی‌ها به منطقه رواج داشته است. در مهرهای تمدن آمودریا متعلق به اوایل هزاره دوم پیش از میلاد تصویر نانا دیده می‌شود.<sup>(۵۴)</sup> رواج آیین نانا در باختر حدود دوهزار سال پیش از ظهور او در میان خدایان کوشانی بوده است.<sup>(۵۵)</sup>

آیین نانا و آناهیتا در ارمنستان هم رواج داشته است. در معبد شهر کوچک تیل، نانا پرستش و به نام نَن خوانده می‌شده است. مردم او را دختر آرامازد (همان اهورامزداي اوستا) می‌دانستند. آیین او با آیین مرتبط با آردوی سوره آناهید (همتای اوستایی آناهیتا) شباهت زیادی داشت و از نظر شمایل‌نگاری او الگویی بود برای ایزدانوهای مختلفی که در مجمع خدایان مردمان هندوایرانی وجود داشتند.<sup>(۵۶)</sup> به گفته روزنفلد، «با وجود رواج

انسان‌نگاری‌های زنانه میان کوشانیان، نانا-آناهیتا با اردوخشو<sup>۱</sup> مشترکات زیادی دارد. البته به نظر می‌رسد محور آیین مربوط به اردوخشو تنوع سیاسی و دودمانی بوده، در حالی که در آیین نانا بر پدیده‌های طبیعی تأکید می‌شده است.»<sup>(۵۷)</sup> در باخترا، کوشانی‌ها ایزدبانو اردوخشو (همان Aši varvηrī در اوستا) را می‌پرستیدند و روی سکه‌ها تصویر او را نقش می‌زدند (در فصل ششم بررسی می‌شود). آذریبی می‌گوید نانا و ایزدبانوی ایرانی آرمیتی یکی بوده‌اند و آیین نانا-آرمیتی در شرق ایران رواج داشته است.<sup>(۵۸)</sup>

به نظر می‌رسد همه این ایزدبانوها کارکردهای مشترکی داشته‌اند که احتمالاً حاصل تبادلات فرهنگی بوده است. از آن‌جا که این وام‌گیری فرهنگی معمولاً نصفه و نیمه بوده است، لازم است برای مطالعه روند تکامل آناهیتا آن‌ها را با دقت بیشتری بررسی کنیم.

### استپ‌ها

در فرهنگ مردمان نیاهندواروپایی که حدود هزاره پنجم پیش از میلاد در استپ‌ها زندگی می‌کردند و اجداد ایرانی‌ها بودند، خدایان مذکر هسته اصلی را تشکیل می‌دادند، به‌ویژه خدایانی که به جنگ، حکومت و فعالیت‌های مرتبط با آن‌ها مربوط بودند. ایزدبانوهای مردمان نیاهندواروپایی غالباً با پدیده‌های طبیعی مانند طلوع خورشید، رودخانه‌ها، تجزیه اجساد، باروری، شفابخشی، فرزندآوری، عشق و رابطه جنسی ارتباط داشتند.<sup>(۵۹)</sup> با گذشت زمان کارکردهای جدیدی به خدایان نیاهندواروپایی چه مذکر و چه مؤنث نسبت داده شد و بسته به محل کوچ قبایل گوناگون نیاهندواروپایی و رویارویی آن‌ها با فرهنگ‌های گوناگون، موقعیت خدایان تغییر یافت.

مثلاً مردمان بومی حوزه دریای خزر و دریای آزوف در دوران پیش از تاریخ ایزدبانوها را می‌پرستیدند.<sup>(۶۰)</sup> در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد، آن‌ها رابطه تنگاتنگی با سکا‌های چادرنشین ایرانی برقرار کردند و به این ترتیب در سبک زندگی و آیین و رسوم ایشان تأثیر گذاشتند. این نکته کمک می‌کند تا بفهمیم چرا سکا‌ها در مقایسه با سایر گروه‌های هندواروپایی برای زنان جایگاه ویژه‌ای قایل بودند و زنان می‌توانستند در امور حکومتی دخالت کنند و حتی به جنگ بروند.

در فهرستی که هرودوت از خدایان سکا‌ها تهیه کرده، مهم‌ترین آن‌ها ایزدبانوی آتش-گرماس است که او آن را «هستیا-تابیتی»<sup>۲</sup> خوانده است: «خدایانی که با پرستش آن‌ها را سر مهر می‌آورند عبارت‌اند از ... و هستیا مهم‌ترین آن‌هاست.»<sup>(۶۱)</sup> با وجود آن‌که جایگاه

«هستیا» نزد سکاها لزوماً بیانگر نقش‌های جنسیتی در جامعه‌شان نیست، این پرسش را به ذهن می‌آورد که چرا یک ایزدبانو برترین خدای مردمی جنگجوست، در حالی که در میان نوادگان نیاهندواروپایی این رویه هنجار نبوده است. محتمل‌ترین توضیح این است که سکاها در استپ‌ها با مردمان غیرهندواروپایی تماس داشته‌اند و تحت تأثیر آن‌ها خدایی مؤنث را برگزیده‌اند.

ایزدبانوهای دیگری که در فهرست هرودوت بودند عبارت‌اند از آپی‌گه،<sup>۱</sup> ایزدبانوی زمین (که یادآور سپتیا آرمیتی زرتشتی‌هاست)، که از نظر اهمیت در مقام سوم قرار داشته، و «اورانیا» («بهشتی») آفرودیته آرگیمپاسا،<sup>۲</sup> ایزدبانوی باروری و عشق، که در مرتبه پنجم قرار داشته است. تفاوت بارزی که در مقایسه با خدایان سایر گروه‌های ایرانی مطرح می‌شود این است که در فهرستی که هرودوت از خدایان سکایی تهیه کرده، از میان پنج خدای اصلی سه تای آن‌ها ایزدبانو بوده‌اند.

این سه ایزدبانو با هم مرتبط بودند. هستیا-تیبیتی و آپی‌گه نسبت به اورانیا آفرودیته آرگیمپاسا ویژگی‌های انسان‌نگاری کمتری داشتند. از میان این سه ایزدبانو، آرگیمپاسا با ویژگی‌های سه‌گانه‌اش بیش از همه به آناهیتا شباهت دارد. او ایزدبانویی با چندین کارکرد است که با باروری، جنگاوری، و جنبه‌های روحانی ارتباط دارد.<sup>(۶۲)</sup> به‌علاوه، اورانیا آفرودیته آرگیمپاسا و آناهیتا هر دو در مقام پشتیبانان الهی پادشاهان و کسانی که حکومت را به آن‌ها هدیه می‌دادند ستایش می‌شده‌اند.<sup>(۶۳)</sup> به نظر می‌رسد هر سه ایزدبانوی اصلی سکاها تا حدی با آناهیتا ارتباط داشته‌اند.<sup>(۶۴)</sup>

## یادداشت‌ها

۱. چندشاخه شدن جامعه هندواروپایی، که با شکوفایی فرهنگ‌های آندرونوو در غرب صربستان ارتباط دارد، احتمالاً پیش از اولین شواهد مستندی که به وجود خدایان اشاره می‌کند رخ داده است. اولین سند یافت‌شده پیمانی است مربوط به مناطق شمالی میانرودان که بین سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۳۳۰ ق.م. بین هیتی‌ها و میتانی‌ها منعقد شده است (Mallory and Adams 2006, p. 32). بخش بزرگی از گروهی که مردمان هندوآریایی نامیده می‌شوند در جهت جنوب‌شرقی به شبه‌جزیره هند رفتند و عده کمی در جهت مخالف مهاجرت کردند و نخبگان حکومت میتانی را پدید آوردند؛ این موضوع که نام خدایان هندوایرانی در این سند به شکل هندوآریایی آمده نشان می‌دهد که انشقاق ایرانی‌زبان‌ها پیش از آن دوران رخ داده است (Thieme 1960).

2. Ehrenberg 1989, pp. 66-76.

۳. اولین بار در اواسط سده نوزدهم یوهان باخوفین بود که پیکرک‌های ونوسی را ایزدبانو خواند.

۴. عده‌ای از پژوهشگران فمینیست و از جمله ماریا گیمبوتاس این موضوع را مطرح کرده‌اند که تعدد پیکرک‌های زنانه نسبت به مردانه بیانگر وجود جامعه‌ای مادرسالار و ایزدبانو محور است. داگلاس پیلی معتقد است اغلب پیکرک‌های باستانی «فاقد جنسیت» هستند، و به گفته او این پیکرک‌ها را باید در قالب پذیرش مفهوم جسم به عنوان «ظرفی برای روح انسانی» در دوره نوسنگی در نظر گرفت (Bailey 2013).
5. Ucko 1968, pp. 43-4.
- ارنبرگ می‌گوید شاید آن‌ها وسیله‌ای برای خشنودی جنسی درگذشتگان بوده باشند یا از اجزای مراسم قربانی کردن باشند، یا خدای محافظ شخص پس از مرگ در مسیر رفتن به جهان زیرین باشند، یا حتی تصاویر پیشینیانشان باشند (Ehrenberg 1989, p. 72).
۶. برای بررسی بیشتر مشکلات مربوط به تعیین زمان و مکان مردمان نیاهندواروپایی و استفاده از زبان‌شناسی برای حل این مشکلات مراجعه کنید به Mallory and Adams 2006, pp. 86-105.
7. Ohtsu 2010.
۸. ملک شهمیرزادی ۱۳۷۳، ص ۱۳۶.
9. Witzel 2013.
10. Vahdati Nasab and Kazzazi 2011.
۱۱. جیمز میلارت باستان‌شناس که این محل را کشف کرده معتقد است که دین این منطقه را در دوران نوسنگی «زنان ابداع کرده بودند» و این که «برترین خدا ایزدبانوی بزرگ» بود (Mellaart 1964, pp. 30-1).
12. Ehrenberg 1989, p. 73.
۱۳. این دریافتی است که ووتر هنکلمان از خواندن الواح استحکامات تخت جمشید به دست آورده است.
۱۴. بهار ۱۳۷۶، ص ۱۳۹.
15. Hinz 1973, p. 91.
۱۶. نام «عیلام» از واژه عبری (ēlām) گرفته شده، Aylam در زبان یونانی هم از آن مشتق شده است (Álvarez-Mon 2012).
۱۷. Hinz 1973, p. 18. و بهار ۱۳۷۶، ۱۳۷.
18. Hinz 1973, p. 44.
19. Hinz 1973, p. 42.
20. Hinz 1973, p. 42.
21. Hinz 1973, p. 44.
22. Hinz 1973, p. 42.
23. Potts 2013, p. 135.
۲۴. بهار ۱۳۷۶، ص ۱۴۰.
25. Hinz 1973, p. 45.
26. Hallo and Simpson 1971, p. 28.
27. Kramer 1963, p. 3.
۲۸. بهار معتقد است که آن‌ها از جنوب ایران مهاجرت کرده‌اند. بنگرید به بهار ۱۳۷۶، ص ۳۴۶.
۲۹. این‌ها عبارت‌اند از آپسو که با همه آب‌های شیرین پیوند دارد و تیامات که ایزدبانوی باستانی دریاهای آب شور است.
30. Crawford 1998.
31. Hinz 1973, p. 43.
32. Moore 2015, p. 31.
33. Stuckey 2001; Wakeman 1985, p. 8; Christ 1997, pp. 62-7.
34. Chaumont 1989.

35. Gnoli 2009, pp. 144-5.

36. Potts 2001, pp. 23-35.

37. Potts 2001, pp. 23-35.

۳۸. پاتس خاطر نشان می‌کند «درست است که آیلیان (در باب طبیعت حیوانات XII.I.18) به معبد منسوب به آناهیتا در عیلام اشاره کرده است، ولی دلیلی در دست نیست که آن را با معبد نانا که در کتاب دوم مکابیان به آن اشاره شده یکی بدانیم.» (Potts 2001, p. 26 بنگرید به

39. Bremmer 2007, p. 175.

40. Beaulieu 2018, p. 33.

41. Beaulieu 2018, p. 33.

42. Potts 2001, pp. 23-35.

43. Alvarez-Mon 2013, pp. 221-2.

44. Carter 2006, p. 325.

45. Gnoli 2009, p. 144.

46. Gnoli 2009, pp. 144-5.

47. Shenkar 2014, p. 120.

48. Grenet 2015, p. 132.

49. Grenet 2015, p. 134.

50. Azarpay 1981, 134.

51. Compareti 2017, pp. 1-8.

52. Azarpay 1981, 136.

53. Azarpay 1981, pp. 136-7.

54. Bremmer 2007, p. 176.

55. Potts 2001, p. 30.

56. Azarpay 1981, 134.

57. Rosenfield 1967, p. 88.

58. Azarpay 1981, p. 135.

59. Mallory and Adams 2006, pp. 431-5.

60. Aruz et al. 2007.

61. Herodotus, Book 4. 59.

62. Ustinova 1999, pp. 84-7.

63. Ustinova 1999, p. 87.

64. Jacobson 1995, p. 54; also Ustinova 1999, pp. 84-6.